

لرستان از جمله کهن ترین مراکز تمدنی ایران زمین است که در چند هزار سال گذشته همواره شاهد تمدنهای درخشانی بوده است. آثار به جای مانده از شهرها، دژها، پلها و جاده‌ها که هر کدام نمایگر شکوه و جلال هر معماری است همگی گواه بر این مدعا است.

منار آجری و بلندی که در میان شهر خرم‌آباد جای دارد از بناهای زیبا و چشم نواز این دیار است که جا دارد در اینجا به مطالعه و بررسی آن پرداخته شود. منار یا مناره در لغت به معنای جای نور و آتشیگاه می‌باشد و در اصطلاح به بناهای بلند و کشیده‌ای اطلاق می‌شود که عموماً در کنار بناهای مذهبی همانند مدارس، مساجد و مقابر ساخته می‌شود. پیش از اسلام منار را میل می‌گفتند که گاهی نشانه وجود آتشدکه و آتشیگاههای بزرگ بود.

در دوره اسلامی احداث منار گسترش بیشتری یافت. در آغاز این دوره، مناره‌ها عموماً به صورت منفرد در مجاورت مساجد ساخته می‌شدند ولی از دوره سلجوقی (قرن پنجم و ششم هجری) به تدریج به صورت زوجی بر سر در ورودی یا ایوان اصلی مساجد جلوه گر شد. مناره‌ها از لحاظ ساخت و کاربرد با هم تفاوت دارند. آنها معمولاً به اشکال استوانه‌ای، مخروطی و چند ضلعی ساخته شده‌اند و از نظر کاربرد، پیش از اسلام از مناره‌ها علاوه بر جنبه‌های مذهبی برای هدایت کاروانها و مسافران به سوی شهرها و مناطق مسکونی استفاده می‌شد. به این صورت که شب هنگام بر فراز مناره‌ها آتش افروخته می‌شد تا مسافران و کاروانها در تاریکی شب موقعیت و مسیر شهر را پیدا نمایند. در دوره اسلامی مناره‌ها کاربرد متنوعی یافتند. مناره‌ها علاوه بر نقش پیشین خود، جهت استحکام بناها و سازه‌های پیرامون و جلوگیری از رانش زمین به هنگام زمین لرزه و همین طور اقامه اذان و مناجات و

موارد دیگر مورد استفاده قرار می‌گرفتند.^۲

اکنون که به اجمال به تاریخچه و موارد کاربرد مناره‌ها اشاره گردید با توجه به منابع و شواهد گوناگون، سعی در تشریح و بازسازی فضای تاریخی منار خرم‌آباد، پیشینه و قدمت آن و ساختار معماری این بنای پر جنبه تاریخی می‌نماییم.

بنابر شواهد گوناگون، پیش از گسترش شهر خرم‌آباد طی قرن اخیر در سمت شرقی رودخانه خرم‌آباد یعنی پیش از ایجاد مناطقی که امروزه به کوی فلسطین، قاضی‌آباد، پارک و میدان شقایق و پشته شهرت دارند، آثار و بقایای شهری دیده می‌شد که در زمان آبادانی شاپور خواست نامیده می‌شد. شاپور خواست از شهرهای پُر آوازه و با رونق دوره ساسانی و قرون نخستین اسلامی بود. این شهر از آغاز قرن هفتم و همزمان با استقرار حکومت اتابکان لر کوچک (۵۷۰ تا ۱۰۰۶ ه. ق) به تدریج از عمران و آبادانی آن کاسته شد تا آنجا که نهایتاً به ویرانه‌های تبدیل گردید. از بناها و آثار به جای مانده از این شهر عظیم آنچه تا به امروز بر جای است، سنگ نبشته مکعب شکل، قلعه فلک‌افلاک (دژ شاپور خواست) پل شکسته، آسیاب گبری و یک منار زیبا و باشکوه است. که هم اکنون در میان پارک شقایق واقع است.

درباره تاریخ ساخت منار و قدمت آن متأسفانه آگاهی چندانی در دست نیست. ولی سبک بنا حکایت از احداث آن در قرون نخستین اسلامی دارد. «هنری راولینسون»، باستان شناس مشهور که در دوره قاجار به لرستان مسافرت نموده، آن را متعلق به دوره سلجوقی (قرن پنجم هجری) دانسته است.^۳ مرحوم علی محمد ساکی در کتاب خود موسوم به «جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان»، ساختمان منار را به دوره اتابکان لر کوچک نسبت داده است.^۴ در صورتیکه منفرد بودن منار و سادگی و بی‌پیرایگی آن - ویژگی بارز مناره‌های قرون اولیه اسلامی است - قدمت آن را به دوره‌های پیش از سلجوقیان و اتابکان لر کوچک باز می‌گرداند. بنابر دلایلی چند احتمال می‌رود این بنا مربوط به عهد فرمانروایی آل بویه (قرن چهارم هجری) بر ایران و در جنب آن تسلط آل حسنویه (۳۴۸ تا ۳۶۹ ه. ق) بر لرستان باشد. بزرگترین امیر دودمان حسنویه، بدر بن حسنویه شهر شاپورخواست را به پایتختی برگزید و به عمران آبادانی آن همت گماشت. او در این شهر و سایر نقاط لرستان دست به اقدامات عمرانی وسیعی زد. چنانچه ساخت و تعمیر تعدادی از آثار تاریخی لرستان به او نسبت داده می‌شود. بعید نیست احداث مسجد جامع شاپورخواست که منار، گلدسته آن به شمار می‌رود بنا به اراده و خواست او صورت گرفته باشد. هر چند سند موثقی در این زمینه در دست نیست ولی مقایسه شکل، اندازه و ضخامت آجرهای به کار رفته در تعمیر پل کشکان که به دستور بدر صورت گرفته و کتیبه‌های نیز از آن موجود است با آجرها و مصالح به کار گرفته شده در ساختمان منار حکایت از همزمانی ساخت یا تعمیر این دو اثر تاریخی دارد.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت به احتمال زیاد منار خرم‌آباد مربوط به دوره فرمانروایی خاندان حسنویه بر لرستان باشد. زیرا این حکومت قوی‌ترین و مشهورترین حکومت منسجمی است که بعد از اسلام تا زمان اتابکان لر کوچک بر لرستان تسلط داشته است و ایجاد چنین بناهای عظیمی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات
برتال جامع علوم انسانی

کرستان پژوهی، سال ۱، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۷

نار

۲۵۲ □

تنها از عهده امیران مقتدر این سلسله بر می آمده است. هر چند نمی توان بر این گفته صد در صد مهر تأیید نهاد و نیازمند پژوهشهای کارشناسانه تری از سوی صاحب نظران خواهد بود.

در باره مکان واقعی منار در شهر شاپور خواست باید گفت: با توجه به پراکندگی آثار و ویرانه‌های به جای مانده از این شهر به احتمال زیاد منار تقریباً در میانه شهر شاپور خواست قرار داشته و مشرف به تمامی خانه‌های شهر و همچنین راهها و جاده‌های اطراف. که از شمال به جنوب و از غرب به شرق امتداد داشتند - بوده است. با این چشم انداز وسیع و طویل، منار نقش مهمی در ایجاد ارتباط میان ساکنان شهر از یک سو و کاروانها و مسافرانی که در جاده‌ها تردد می‌کردند، ایفا کرد و علاوه بر این منار همچنین به عنوان یک مرکز پیام رسانی و پایگاه دیده بانی در صورت بروز هر گونه حادثه‌ای از قبیل هجوم دشمن و اقوام مهاجم علائم و اشاراتی را به صورت دود و آتش به نقاط مختلف شهر و بخصوص دژ فلک‌الافلاک که در آن سوی رودخانه در مقابل شهر شاپور خواست قرار داشت و معمولاً محل اقامت حاکم شهر و مقر فرمانروایی محسوب می‌شد، ارسال می‌کرد. با این پیامها اهالی شهر و دژنشینان از خطر احتمالی آگاهی می‌یافتند و به سرعت دروازه‌های شهر و قلعه را می‌بستند و خود را جهت دفاع و مقابله با دشمن مهیا می‌کردند.

منار علاوه بر کارکرد اطلاع رسانی و هدایت کاروانها و مسافران به هنگام شب، همچنین برای بالا بردن میزان مقاومت و استحکام بناهای اطراف خود مورد استفاده قرار می‌گرفت. گردشگران و مسافرانی که در دوره قاجار به لرستان آمده‌اند در نوشته‌های خود اغلب اشاره به بقایای تأسیسات و ساختمانهای وسیعی در کنار و پیرامون منار داشته‌اند. معین السلطنه در رساله جغرافیای خود که در اواخر حکومت قاجار به رشته تحریر در آورده، اشاره به خرابه‌های شهر شاپور خواست در اطراف منار کرده است و آنها را مربوط به مسجد بزرگ این شهر دانسته است. وی می‌نویسد: [شاپور خواست] مسجد بزرگی داشته که محوطه او شصت ذرع است. بنای محوطه و میلی که گلدسته مسجد بوده، باقی است. میل مزبور تقریباً سی و چهار ذرع ارتفاع دارد. بنا به روایتی منار گلدسته مسجد جامع شاپور خواست معروف به مسجد امام حسن بوده است. علاوه بر بقایای مسجد جامع در اطراف منار که در گذشته کاملاً قابل مشاهده بود، ویرانه‌ها و پی‌های ساختمان‌های دیگری نظیر کاروانسرا و بازار نیز در پیرامون منار جلب نظر می‌کرد.

از نظر سبک معماری، منار با اندک تفاوت دارای همان اجزا و ویژگیهای دیگر مناره‌های سرزمین ایران است. منار عمدتاً از سه بخش اصلی یعنی پایه، بدنه و کلاهک (تاج) تشکیل یافته است. پایه آن مکعب شکل و از ملاط و آجر است. بلندی بدنه منار حدود ۲۶/۲۰ متر است که در مجموع با احتساب پایه، بلندی منار به ۳۰ متر می‌رسد. در داخل منار پله‌هایی به صورت مارپیچ حول ستونی تعبیه گردیده که جهت صعود به بالای منار مورد استفاده قرار می‌گرفت همچنین برای روشنایی داخل منار شش دریچه یا نورگیر در بدنه آن ایجاد شده است.^۷

۱. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمد یوسف کیانی، تهران سمت، ۱۳۷۴، ص ۲۱.
۲. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، تهران، روزبهان، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۵۹.
۳. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، همان ص ۲۲.
۴. سفر نامه راولینسون، سرهتبری راولینسون، تهران، آگاه، ۱۳۶۳، همان، ص ۱۳۸.
۵. جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، علی محمد ساکی، خرم آباد، کتابفروشی محمدی، ۱۳۴۳، ص ۲۲۶.
۶. شقایق، سال ۱، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، ص ۱۷۴.
۷. برای آگاهی بیشتر در باره مشخصات منار بنگرید به: آثار باستانی و تاریخی لرستان، حمید ایزد پناه، تهران: آگاه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۲۱ و ۱۲۲. ❁



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی